



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

ارزیابی اثربخشی برنامه درسی بر اساس محوریت دانش آموز در مدرسه

فرزانه کردنائیج^۱، فاطمه فرخی^۲، مهدیه خلیلی^۳، روشنگ کریمی^۴

۱- کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، مرکز آموزش عالی بنت الهدی آمل

۲- کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، مرکز آموزش عالی بنت الهدی آمل

۳- کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، مرکز آموزش عالی بنت الهدی آمل

۴- کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد چالوس

farzanekordnaeij@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی اثربخشی برنامه درسی بر اساس محوریت دانش آموز در مدرسه انجام شد. برنامه درسی محصول و تولید فرایند برنامه ریزی درسی است. برای هر دوره تحصیلی برنامه‌های خاصی متناسب با سطح درک و فهم دانش آموزان طراحی می‌شود. رویکرد جدید که در نظام‌های آموزشی نوین مورد توجه متخصصان تربیتی است رویکرد دانش آموز محور است. در رویکرد جدید دانش آموزان به عنوان یادگیرنده فعال هستند. امر یادگیری با بر اساس علایق دانش آموزان صورت می‌گیرد. منظور از رویکرد دانش آموز محور در واقع الگوی آموزشی است که در آن دانش آموزان در رأس توجه قرار دارند. این پژوهش به شیوه مروری و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که برنامه درسی دانش آموز محور با ارائه فرصت‌های فعالیت و یادگیری بر اساس نیازها و توانمندی‌های هر دانش‌آموز، می‌تواند بهبود قابل توجهی در فرآیند آموزش و یادگیری داشته باشد. این رویکرد، دانش‌آموزان را به عنوان فعالانهای فراگیر مشارکتی در فرآیند یادگیری می‌بیند و مهارت‌های تفکری، تحلیلی و خلاقانه آن‌ها را تقویت می‌کند.

کلمات کلیدی: برنامه درسی، مدرسه، دانش‌آموز، مدیریت، کلاس



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

نظام آموزشی همراه با پیشرفته تکنولوژی و پیشرفت در سایر عرصه‌ها در حال پیشرفت است. نظام آموزشی امروزه دچار تغییرات بنیادی شده است. زیرا دیگر نیازهای جامعه و نیازهای دانش آموزان تغییر یافته است در نتیجه نظام آموزش گذشته دچار تغییرات و چالش‌های بنیادی شده است. در مقابل نظام آموزشی سنتی، نظام آموزشی نوین که از آن به عنوان رویکرد دانش آموز محور یاد می‌شود، در مرکز توجه قرار می‌گیرد و و این امر مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران در حوزه علوم انسانی و اجتماعی قرار گرفته است (Tsai & Chen, ۲۰۲۱). در دهه‌های اخیر، تحولات بسیاری در حوزه آموزش و یادگیری رخ داده است. به دنبال انتقال از روش‌های سنتی تدریس به رویکردهای نوین و مؤثرتر، برنامه درسی دانش آموز محور به عنوان یک رویکرد نوین در آموزش و یادگیری ظهور یافته است. در این رویکرد، دانش‌آموزان در مرکز فرآیند آموزش قرار می‌گیرند و به عنوان فعالانهای فراگیر، در فرآیند یادگیری خود سهیم و مسئولیت پذیر می‌باشند. برنامه درسی دانش آموز محور تلاش می‌کند تا با تمرکز بر نیازها، علاقه‌ها و توانمندی‌های هر دانش‌آموز، فرآیند آموزش و یادگیری را منعطف و جذاب کند. هدف این مقاله مروری، بررسی و ارزیابی برنامه درسی دانش آموز محور در کلاس درس است. در این راستا، ابتدا تعریف و مفهوم برنامه درسی دانش آموز محور بررسی شده و سپس به بررسی تأثیرات و مزایا، چالش‌ها و راهکارهای پیاده‌سازی این رویکرد در محیط کلاس درس پرداخته می‌شود. از آنجا که نظام آموزشی سنتی به عنوان رویکرد معلم محور یاد می‌شود و معلم تنها انتقال دهنده مطالب آموزشی و محتوای تعیین شده و از قبل طراحی شده است و دانش آموز نقش منفعل را برعهده دارند. معلمان بدون توجه به شیوه‌های مدرسه پیشرفت دانش آموزان را افزایش می‌دهند. معلمان می‌توانند این دستاورد را با استفاده از ارزیابی و توسعه اهداف فراگیر تسهیل کنند (Perrone, 1994).

برنامه درسی محصول و تولید فرآیند برنامه ریزی درسی است. برای هر دوره تحصیلی برنامه‌های خاصی متناسب با سطح درک و فهم دانش آموزان طراحی می‌شود. دوره ابتدایی نخستین دوره محیط آموزشی دانش آموز است. به همین خاطر برنامه‌ای که دانش آموز با آن روبرو می‌شود دارای اهمیت است. منظور از برنامه درسی در واقع همان نقشه آموزشی است و به عنوان فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب است. در رویکرد یادگیری معلم محور، معلم متخصصی است که وظیفه تشخیص نیازها و توانایی‌های دانش آموز، تعیین محتوای مورد تدریس، تجویز فعالیت یادگیری دانش آموز و ارزیابی پیشرفت دانش آموز را بر عهده دارد. تداوم این رویکرد، هدایت کلاس‌های محیط یادگیری جدید به سمت آموزش دانش آموز محور را چالش برانگیز می‌سازد (Shively, 2004).

به دلیل سوابق تدریس سنتی که ریشه در پارادایم معلم محور دارد، برخی از معلمان احساس می‌کنند دانش آموزان بلوغ و توانایی لازم برای مشارکت در تصمیم‌گیری را ندارند. آن‌ها به شدت بر سبک رهبری استبدادی تکیه می‌کنند. سبک اقتدارگرا با قدرت، سلطه، فشار و انتقاد مشخص می‌شود. برخی از نظریه پردازان بر رویکردهای معاصر تأکید می‌کنند که از محیط‌های طراحی شده برای توانمندسازی دانش‌آموزان برای خودراهبری و یادگیری مستقل حمایت می‌کنند منظور از رویکرد دانش آموز محور در واقع الگوی آموزشی است که در آن دانش آموزان در رأس توجه قرار دارند. تمام تلاش نظام آموزشی تحقق امر یادگیری مبتنی بر علایق دانش آموزان است. این رویکرد در مقابل رویکرد سنتی که از آن به عنوان رویکرد معلم محور یاد می‌شود قرار دارد. رویکرد حاکم بر نظام‌های آموزشی کل دنیا رویکرد معلم محور بوده، که امروزه دچار چالشی اساسی شده است.

از مزایا این است که یادگیری را برای دنیای واقعی مفید می‌کند، تشویق می‌کند و انگیزه می‌دهد که چگونه یاد بگیرند، دانش‌آموزان را درگیر یادگیری مشابه دنیای واقعی می‌کند. یادگیری مبتنی بر مسئله نه تنها بر حل مسئله تمرکز دارد، بلکه مسئولیت توسعه سایر مهارت‌ها و ویژگی‌ها را نیز بر عهده دارد. یادگیری سنتی در مقابل یادگیری مبتنی بر مسئله در رویکردهای سنتی به یادگیری مبتنی بر روش سنتی، ابتدا داده‌ها به روش سنتی یادگیری ارائه می‌شود، اما در یادگیری مبتنی بر مسئله، مسائل برای حل مشکل به دانش آموزان ارائه می‌شود. چالش‌ها زمانی تشدید می‌شوند که معلمان نتوانند بحث‌های



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

گروهی را تسهیل کنند، مسائل معتبری بسازند و دانش‌آموزان را در فرآیند حل مسئله راهنمایی کنند. یادگیری مبتنی بر مسئله مهارت‌های یادگیری فعال و مادام‌العمر را پرورش می‌دهد.

اهمیت و ضرورت

برنامه درسی دانش آموز محور به عنوان یک رویکرد نوین در آموزش و یادگیری، اهمیت و ضرورت بسیاری را دارد. این رویکرد بر مفهوم احترام به تفاوت‌ها، همکاری و تعامل بین دانش‌آموزان و تمرکز بر نیازها و توانمندی‌های هر دانش‌آموز تأکید می‌کند. با استفاده از برنامه درسی دانش آموز محور، فرآیند آموزش و یادگیری جذاب و متناسب با شرایط و نیازهای دانش‌آموزان شکل می‌گیرد (محمودی و بهرامی، ۱۴۰۱). این رویکرد قابلیت توانمندسازی دانش‌آموزان را در جهت توسعه مهارت‌های زندگی، تفکر منطقی، تحلیلی و خلاقانه، همکاری و ارتباطی افزایش می‌دهد. از طریق برنامه درسی دانش آموز محور، دانش‌آموزان به طور فعال در فرآیند یادگیری خود شرکت می‌کنند، تجربه‌های واقعی و عملی را به دست می‌آورند و مهارت‌های لازم برای مواجهه با چالش‌های زندگی را توسعه می‌دهند.

مسئله مورد بحث در اینجا این است که آیا رویکرد سنتی و معلم محور در آموزش و یادگیری به تنهایی کافی است یا نیاز به اصلاح و بهبود با استفاده از برنامه درسی دانش آموز محور دارد (مهرابی و مکوندی، ۱۴۰۰). در رویکرد سنتی، مدرسان بیشتر در نقش فراگیری اطلاعات و انتقال مفاهیم به دانش‌آموزان قرار دارند و دانش‌آموزان به عنوان موجودی پاسخگو و بی‌انگیزه مشاهده می‌شوند. با استفاده از برنامه درسی دانش آموز محور، مسئله‌محوری، همکاری، تعامل و مشارکت دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری ترویج می‌یابد. اما مسئله این است که آیا این رویکرد به تنهایی می‌تواند تمام نیازها و چالش‌های آموزشی را برطرف کند و چگونه می‌تواند در مدارس و سیستم آموزشی کشورها بهبود و اجرا شود.

نظام آموزشی همراه با پیشرفته تکنولوژی و پیشرفت در سایر عرصه‌ها در حال پیشرفت است. نظام آموزشی امروزه دچار تغییرات بنیادی شده است (Tsai & Chen, ۲۰۲۱). زیرا دیگر نیازهای جامعه و نیازهای دانش‌آموزان تغییر یافته است در نتیجه نظام آموزش گذشته دچار تغییرات و چالش‌های بنیادی شده است. در مقابل نظام آموزشی سنتی، نظام آموزشی نوین که از آن به عنوان رویکرد دانش آموز محور یاد می‌شود، در مرکز توجه قرار می‌گیرد و و این امر مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران در حوزه علوم انسانی و اجتماعی قرار گرفته است. از نظام آموزشی سنتی به عنوان رویکرد معلم محور یاد می‌شود و معلم تنها انتقال دهنده مطالب آموزشی و محتوای تعیین شده و از قبل طراحی شده است و دانش آموز نقش منفعل را برعهده دارند. اما با پیشرفت جامعه و ورود به عرصه جدید دانش‌آموزان مورد توجه قرار گرفتند و نظام آموزشی تلاش می‌کند تا به نیاز دانش‌آموزان پاسخ دهد. رویکرد آموزشی نوین با روبرو کردن دانش‌آموزان با مسائل مختلف تلاش می‌کند تا افکار فراگیران را در امر یادگیری درگیر نماید و به این ترتیب دانش‌آموزان به یادگیری بر حسب علایق خود بپردازند. و کیفیت یادگیری را افزایش دهند (مهرابی و مکوندی، ۱۴۰۰). معلمان باید به روشهای تدریس مبتنی بر دانش آموز محور آگاه باشند (محمودی و بهرامی، ۱۴۰۱).

نظام آموزشی جهت تحقق اهداف آموزشی خود از یک سری اصول و راهبردهای حمایت می‌کند که می‌توانند مسیر امر و تحقق اهداف را مشخص نمایند. از برنامه درسی به عنوان میدان مسابقه یاد می‌شود که بطور دائم در حال تلاش جهت تحقق امر یادگیری و رسیدن به اهداف آموزشی مطلوب است. بطور علمی برنامه درسی به معنای فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب است. برنامه درسی دانش آموز محور یک رویکرد آموزشی است که تمرکز خود را بر روی نیازها و توانایی‌های دانش‌آموزان می‌گذارد. به جای تأکید بر محتوا و مطالب مشخص، در این رویکرد، فرآیند یادگیری و تجربه دانش‌آموزان در کلاس درس مورد توجه قرار می‌گیرد. بر اساس این رویکرد، برنامه درسی باید با توجه به نیازهای هر دانش‌آموز و رشد توسعه‌اش شکل بگیرد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

رویکرد معلم محور

رویکرد غالب در نظام آموزشی رویکرد معلم محور است. آموزش سنتی معلم محور به طور کلی به عنوان سبکی شناخته می‌شود که در آن معلم مسئولیت اصلی انتقال دانش به دانش آموزان را بر عهده می‌گیرد. از این منظر، از آنجا که معلمان از طریق تخصص بیشتر خود در مورد موضوع، در بهترین موقعیت برای تصمیم‌گیری در مورد ساختار و محتوای هر تجربه کلاسی هستند. تعلیم و تربیت معلم محور معمولاً به این معناست که استفاده از سخنرانی را به عنوان ابزار اصلی ارتباط در کلاس درس ضروری می‌کند (مهرابی و مکوندی، ۱۴۰۰). هدف این کلاس درس مستلزم انتشار مجموعه نسبتاً ثابتی از دانش است که توسط معلم تعیین می‌شود. فرمت سخنرانی معمولاً به صورت یک جنبه پیش می‌رود. معلم به جای ساختار بندی محتوای کلاس حول سوالاتی که ممکن است این دانش آموزان داشته باشند، بر روی مجموعه‌ای از دانش از حوزه تخصص خود سخنرانی می‌کند.

رویکرد دانش آموز محور

رویکرد جدید که در نظام‌های آموزشی نوین مورد توجه متخصصان تربیتی است رویکرد دانش آموز محور است. در رویکرد جدید دانش آموزان به عنوان یادگیرنده فعال هستند. امر یادگیری با بر اساس علایق دانش آموزان صورت می‌گیرد. منظور از رویکرد دانش آموز محور در واقع الگوی آموزشی است که در آن دانش آموزان در رأس توجه قرار دارند. تمام تلاش نظام آموزشی تحقق امر یادگیری مبتنی بر علایق دانش آموزان است. این رویکرد در مقابل رویکرد سنتی که از آن به عنوان رویکرد معلم محور یاد می‌شود قرار دارد. رویکرد حاکم بر نظام‌های آموزشی کل دنیا رویکرد معلم محور بوده، که امروزه دچار چالشی اساسی شده است. مزایای برنامه درسی دانش آموز محور:

برنامه درسی دانش آموز محور دارای مزایای فراوانی است که باعث شده است تا در سیستم آموزشی به عنوان رویکرد مورد استفاده قرار گیرد. در ادامه به برخی از مزایای این رویکرد اشاره می‌کنیم:

۱. **تمرکز بر نیازهای دانش آموزان:** با استفاده از برنامه درسی دانش آموز محور، تمرکز بر نیازهای هر دانش‌آموز و توانایی‌های او صورت می‌گیرد. این رویکرد به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا به صورت فعال در فرآیند یادگیری شرکت کنند و مسئولیت بیشتری در برابر یادگیری خود داشته باشند.

۲. **ایجاد تعاملات فعال:** با توجه به برنامه درسی دانش آموز محور، تعاملات فعال بین دانش‌آموزان و معلمان به وجود می‌آیند. این تعاملات می‌توانند شامل گفتگوها، تبادل اطلاعات، تحلیل مسائل و حل مشکلات باشند. این امر باعث افزایش تعاملات اجتماعی و توانایی‌های ارتباطی دانش‌آموزان می‌شود (مهرابی و مکوندی، ۱۴۰۰).

۳. **تقویت مهارت‌های عملی و عملکرد عالی:** با استفاده از برنامه درسی دانش آموز محور، دانش‌آموزان به موقعیت‌های واقعی و عملی مواجه می‌شوند. این رویکرد تشویق می‌کند تا دانش‌آموزان مهارت‌های عملی را تمرین کنند و عملکرد عالی را از خود نشان دهند. این مسئله باعث افزایش رضایت و انگیزه دانش‌آموزان نسبت به فرآیند یادگیری می‌شود (Tsai & Chen, ۲۰۲۱).

مراحل پیاده‌سازی برنامه درسی دانش آموز محور

برای پیاده‌سازی برنامه درسی دانش آموز محور در کلاس درس، مراحل زیر را می‌توان دنبال کرد:

۱. **شناخت نیازها:** ابتدا باید نیازها و توانایی‌های دانش‌آموزان را شناسایی کنیم. می‌توان از روش‌های متنوعی مانند مصاحبه، مشاهده و ارزیابی استفاده کرد تا نیازهای هر دانش‌آموز را به طور دقیق مشخص کنیم.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۲. **طراحی و تدوین برنامه درسی:** با توجه به نیازهای دانش‌آموزان، باید برنامه درسی دانش‌آموز محور را طراحی و تدوین کنیم. در این برنامه، باید محتوا، فعالیت‌ها و راهکارهای مناسبی برای یادگیری دانش‌آموزان در نظر بگیریم.

۳. **اجرای برنامه درسی:** با تدوین برنامه درسی، می‌توانیم آن را در کلاس درس اجرا کنیم. در این مرحله، باید دانش‌آموزان را در فرآیند یادگیری مشارکت داده و فعالیت‌ها و تمرین‌های مناسبی را برای آن‌ها فراهم کنیم.

۴. **ارزیابی و بازخورد:** پس از اجرای برنامه درسی، باید فرآیند یادگیری دانش‌آموزان را ارزیابی کنیم. می‌توان از روش‌های مختلفی مانند آزمون‌ها، پروژه‌ها و نظرسنجی‌ها برای ارزیابی استفاده کرد. همچنین، بازخورد مناسب به دانش‌آموزان برای بهبود فرآیند یادگیری آن‌ها بسیار حائز اهمیت است.

برنامه درسی دانش‌آموز محور یک رویکرد آموزشی کارآمد است که به دانش‌آموزان امکان می‌دهد در فرآیند یادگیری خود مشارکت کنند و تجربه‌های غنی را تجربه کنند. با تمرکز بر نیازها و توانایی‌های دانش‌آموزان، این رویکرد باعث ایجاد تعاملات فعال، تقویت مهارت‌های عملی و عملکرد عالی می‌شود. برنامه درسی دانش‌آموز محور به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا مستقلاً یاد بگیرند و در فرآیند یادگیری شرکت کنند (محمودی و بهرامی، ۱۴۰۱).

کلاس‌های دانش‌آموز محور

کلاس درس دانش‌آموز محور از همکاری فعال دانش‌آموزان در کلاس حمایت می‌کند. جان دیویی، نظریه پرداز که بیشترین ارتباط را با آرمان‌های کلاس درس دموکراتیک دارد، که به عنوان دانش‌آموز محور نیز شناخته می‌شود، شاید فراگیرترین و فہیم‌ترین متفکری باشد که در قاره آمریکا ظهور کرده است (Simpson et al, 2004). دیویی یک فیلسوف آموزشی بود که تلاش کرد نهادهای سفت و سخت و سنت‌گرا را به مدارس مترقی تبدیل کند که از آرمان‌های دموکراسی تقلید می‌کردند. جان دیویی دموکراسی را بیش از یک نوع خاص از حکومت توضیح داد، اما در عوض به عنوان "شیوه‌ای از زندگی مرتبط، تجربه ارتباطی مشترک" نشان داد. وی همچنین تأکید می‌کند که تحصیلات با کیفیت زندگی رایج در یک گروه خاص متفاوت است.

جامعه‌ای که با میل خود تغییر را به عنوان وسیله‌ای برای بهبود اجرا می‌کند، ارزش‌ها و رویکردهای متمایزتری نسبت به روش‌های آموزشی خواهد داشت تا جامعه‌ای که به سادگی سنت‌های فرهنگی خود را ادامه می‌دهد. دیویی پیشنهاد کرد که جامعه دموکراتیک یا یک علاقه‌مند به پیشرفت مستمر، احتمال بیشتری نسبت به سایر انواع جوامع وجود دارد علاقه‌مند به آموزش سنجیده و سیستماتیک باشد. مدارس که محیطی دموکراتیک را ارائه می‌دهند، به دینفعان و دانش‌آموزان متعهد می‌شوند که عدالت اجتماعی را هم در داخل دیوار مدرسه و هم در خارج از جامعه توصیه کنند همچنین امر بسیار مهم این است که معلمان که آموزش دموکراتیک را انجام می‌دهند، یادگیری فعال را در کلاس‌های درس خود ترویج می‌کنند. طرح فرهنگی دیرپای مدرسه، استانداردها، روش‌ها و موضوعات مربوط به بزرگسالان را بر دانش‌آموزان تحمیل می‌کند. بنابراین، این استانداردها خارج از دسترس تجارب برخی از دانش‌آموزان است. در تحلیل دیویی، اجرای آموزش پیشرو برای معلمان نسبت به محیط کلاسی معمولی پیچیده‌تر است (Kohn, 1999). کوهن با توضیح اینکه معلمان باید از سؤالات باز استفاده کنند که باید جو کلاسی را تقویت کند که به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد درک خود را ایجاد کنند، جزئیات را ارائه می‌دهد. علاوه بر این، درک موضوع مورد نیاز است، زیرا هر برنامه درسی که بیشتر از دانش‌آموزان خواسته شود، نیاز به آماده‌سازی دقیق‌تری توسط معلمان داردهمچنین مولینز اشاره می‌کند که این تعهدات شخصی و اخلاقی مربی است که به آموزش دموکراتیک اجازه می‌دهد.

وقتی شیوه‌های سنتی مدرسه به خاطر شیوه‌های دانش‌آموز محور یا دموکراتیک کنار گذاشته می‌شوند، کلاس درس به گردابی شتابان تبدیل می‌شود که فعالیت آموزشی را افزایش می‌دهد. پیرو این ایده اپل و بین هستند که اعتماد و اعتقادشان به کار



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

خسته کننده معلمان و دانش آموزان در ایالات متحده بر این است که دموکراسی در چنین کلاس‌های دانش آموز محور جان می‌گیرد. هنگامی که دموکراسی اجرا می‌شود، دانش آموزان می‌توانند ساعات خود را به عنوان یادگیرنده و معلم سپری کنند، از طریق اعتماد گسترده، به دانش آموزان اجازه می‌دهند تا در مورد شیوه‌های یادگیری با یکدیگر همکاری کنند. معلم مایل است همراه با دانش آموزان بیاموزد و به آن‌ها اجازه می‌دهد خارج از کلاس‌های سنتی معلم محور باشند. وقتی معلمان به دانش آموزان اجازه کنترل در کلاس را می‌دهند، پیامی که ارسال می‌شود پیام اعتماد است نویسندگان مدارس دموکراتیک، اعتماد دارند که دانش آموزان مسئولیت یادگیری خود را بر عهده می‌گیرند و به آنچه دیویی آن را «ایمان دموکراتیک» می‌نامد، اعتقاد دارند. برای خدمت به خیر عمومی، معلمان، با این وجود، اگر می‌خواهند نتایج موفقیت آمیز باشد، باید انتظارات خود را به وضوح بیان کنند (Beane, 2007 and Apple). سائز به عنوان یکی از متخصصان حوزه علوم تربیتی اشاره می‌کند که؛ آموزش باید شخصی باشد، در نتیجه هر کودک را به سودمندترین توانایی‌های خود جذب کند و در این حوزه بیان می‌کند که:

اصرار هر کودک، به بهترین وجه، عادات و ابزارهای فکری عمیقاً مهم برای غنی‌سازی یک جامعه دموکراتیک، عادات و ابزارهایی است که مواد و مهارت‌هایی را برای هر فرد فراهم می‌کند تا در یک فرهنگ به سرعت در حال تغییر زنده بماند (Sizer, 1999).

کوبو و کینی هشت ویژگی را که با کلاس درس دموکراتیک سازگار است شناسایی کردند. این هشت معیار عبارتند از:

- الف) دانش آموزان باید در یادگیری خود مشارکت فعال داشته باشند.
- ب) معلمان باید از آموزش تحت سلطه کتاب درسی اجتناب کنند.
- ج) معلمان باید شیوه‌های تفکر تأملی را توسط دانش آموزان تقویت کنند.
- د) معلمان باید فرصت‌هایی برای تصمیم‌گیری به دانش آموزان ارائه دهند. - ایجاد و انتخاب برای حل مسئله.
- ه) کلاس درس باید روی موضوعات بحث برانگیز برای بحث تمرکز کند تا دانش آموزان بتوانند روی دیدگاه‌های متعدد تمرکز کنند.

و) معلمان باید توسعه مسئولیت فردی توسط اعضای کلاس را تشویق کنند.

ز) دانش آموزان باید شأن و منزلت هر فرد را به رسمیت بشناسند.

ح) معلمان باید اصول را در خود بگنجانند و ارتباط آن‌ها را با دانش آموزان مشخص کنند.

در حالی که کلاس‌هایی وجود دارند که این جنبه‌های اساسی آموزش دموکراتیک را در بر می‌گیرند، برخی از معلمان با اجازه دادن به دانش آموزان برای رأی دادن به مسائل جزئی در کلاس، ظاهری از دموکراسی را ترجیح می‌دهند. یک کلاس درس واقعاً دموکراتیک با اصول دموکراتیک آغشته شده است و به دانش آموزان این فرصت را می‌دهد که کنترل بیشتری بر آموزش خود داشته باشند (Apple, 2013). این بدان معناست که معلمان آگاهانه تصمیم گرفته‌اند که به دانش آموزان اجازه دهند مسئولیت یا یادگیری خود را بپذیرند و در عین حال مسئولیت ایجاد یک فضای آموزشی حمایتی را نیز بر عهده گرفته‌اند. آزادی و مسئولیت داده شده و دریافت شده در کلاس درس دموکراتیک نمونه‌ای از یک دموکراسی زنده است که به مردم فضایی می‌دهد تا عمیقاً با هم ارتباط برقرار کنند، تحلیل انتقادی کنند و به دنبال معانی فردی بگردند. آموزش دموکراتیک دانش آموزان در نظر گرفتن هدف آموزش از نظر دانش آموز است.

شخصیت یا منش تغییر گرایشی قابل دستیابی، محسوس و نسبتاً ثابت است. علاوه بر این، تعداد زیادی از مربیان موافق هستند که ویژگی‌های گرایشی باید توسط دانش آموزان کسب شود، حتی اگر در مورد دانشی که باید منتشر شود اختلاف نظر داشته باشند. ارنستین با گفتن این جمله به پایان رسید: «نوع تمایلاتی که ارزش پرورش در مدارس را دارد، مردم را نسبت به جهان شناخت بیشتر، پذیراتر از آن، و توانایی بیشتری برای مقابله مؤثر با چالش‌هایی که دائماً ارائه می‌دهد، می‌کند»



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اگرچه ایده دیویی در مورد آموزش دموکراتیک برای بیش از یک قرن همچنان اهمیت دارد، اما خود او به طور فزاینده‌ای از این فکر که مدارس به تنهایی جامعه دموکراتیک‌تری ایجاد می‌کند ناامید شد و به این ترتیب گفت: آموزشی دیویی. این رویکرد نتوانست دانش‌آموزان را برای عمل مؤثر در جهان همانطور که بود و هنوز هم هست، تجهیز کند، و... مدل دموکراسی دیویی، اگرچه بسیار مفید است، با این وجود برای پاسخگویی به نیازهای متنوع جامعه‌ای متنوع و بحث‌انگیز ناکافی است. (شورتز، ۲۰۰۱). بدیهی است که اصول متفاوتی در آموزش دموکراتیک وجود دارد که ابزارها و جهت‌گیری‌های مهمی را برای معلمان کلاس ارائه می‌کند. یکی از این ایده‌ها اتخاذ یک دیدگاه کاملاً دموکراتیک است، با این حال، این ممکن است تنها پاسخ به بهبود کلاس درس معاصر نباشد.

ایجاد کلاس درس از دانش آموزان رهبر

معلمان می‌توانند با استفاده از روش‌های آموزشی خاص، کاربردهای رهبری دانش آموز را تولید کنند. اصلاح محیط یادگیری فیزیکی، الگوبرداری، تغییر روش‌های آموزشی معلم و استفاده از فعالیت‌های رهبری مبتنی بر کلاس درس، همگی در کمک به ارتقا و توانمندسازی دانش‌آموزان مفید بودند. معلمان می‌توانند این توانمندسازی را با استفاده از ارزیابی معتبر و توسعه اهداف "کلی" تسهیل کنند. مدیرانی که به دانش‌آموزان اجازه می‌دهند مسئولیت یادگیری خود را بر عهده بگیرند، قدرت را کنار نمی‌گذارند. در عوض، این مدیران/معلمان مسئولیت برنامه‌ریزی تجربیات را بر عهده می‌گیرند تا دانش‌آموزان بتوانند با یادگیری قبلی خود ارتباط برقرار کنند و به سمت چالش بعدی پیشرفت کنند. (Freer, 2006).

علاوه بر این، معلمان می‌توانند از طریق گفتگوی بالغانه با دانش‌آموزان خود از آزادی فکر حمایت کنند. هنگامی که فضایی از احترام متقابل و همکاری برقرار می‌شود، تمرکز بر دستاوردها می‌تواند اعمال شود که مالکیت معلم و دانش‌آموزان را بیشتر می‌کند. دانش‌آموزان پس از تبدیل شدن به نمایندگان تغییر کلاس به رهبران تبدیل می‌شوند. این محیط کلاس درس احتمالات انقلابی را تشویق می‌کند که هرگز توسط دانش‌آموزان در موقعیت معلم محور تصور نمی‌شد (Miller, ۲۰۰۵).

نقش‌های رهبری دانش آموز

یک اصل که قبلاً توسط مربیان وجود داشت که نقش‌های رهبری دانش‌آموز می‌تواند فقط برای تعداد کمی از استعدادها و استعدادها مناسب باشد (Miller, ۲۰۰۵). دانش‌آموزان با استعداد به رهبری به عنوان رفتارهای قابل اندازه‌گیری، قابل یادگیری و با مجموعه‌ای از رفتارهای قابل آموزش نگاه می‌کنند. رید که رهبری دانش‌آموز در کلاس درس تحت تأثیر نوع آموزش دریافت شده، سطح تجربه دانش‌آموزان و محیط کلاس درس آنها است. در واقع، فضای مدرسه باید از آزمایش حمایت کند و به دانش‌آموزان اجازه دهد تا خطرات قابل‌کنترلی را بپذیرند از معلمان حمایت کردند و به آنها توصیه کردند که انتخاب‌هایی را برای دانش‌آموزان فراهم کنند و به آنها اجازه دهند نظرات خود را در مورد این انتخاب‌ها بیان کنند. جامعه معاصر خواستار آن است که دانش‌آموزان از مدارس به‌عنوان حل‌کننده‌های خلاق که قادر به کنترل موقعیت‌ها و همکاری در میان جمعیت‌های مختلف باشند، ظهور کنند. به دلیل این عوامل، معلمان باید فرصت‌های رهبری را به دانش‌آموزان ارائه دهند.

یک دانش‌آموز همچنین باید نگرش و خلق و خوی را نشان دهد که رهبری را ممکن می‌کند. مهارت رهبری به روشی ساده آموخته نمی‌شود، بلکه ریشه در فعالیت پیچیده‌تری دارد. برای رهبر بودن، دانش‌آموزان باید ارزش مهم رهبری و دلایلی را که در درازمدت برای آنها مفید خواهد بود را درک کنند (Arnstine, 1995).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تأثیر معلمان بر پیشرفت دانش آموزان

معلمان بدون توجه به شیوه‌های مدرسه پیشرفت دانش آموزان را افزایش می‌دهند. معلمان می‌توانند این دستاورد را با استفاده از ارزیابی و توسعه اهداف فراگیر تسهیل کنند. فریر اعتقاد دارد، آموزگاران که به دانش آموزان اجازه می‌دهند مسئولیت یادگیری خود را بپذیرند، اختیار را کنار نمی‌گذارند... در عوض، این آموزگاران مسئولیت برنامه ریزی تجارب را بر عهده می‌گیرند تا دانش آموزان بتوانند با یادگیری قبلی خود ارتباط برقرار کنند و بسازند. متخصصان آموزشی مسئولیت مربیان را تشخیص دادند و بر آموزش، طراحی برنامه درسی و مدیریت کلاس تمرکز کردند.

آموزش

آموزش شامل آن دسته از فعالیت‌های مستقیم و غیرمستقیم است که توسط معلم برای اعمال، افشای و تقویت دانش ضروری دانش‌آموزان طراحی شده است. یک طرح آموزشی توسط اسپند و الکساندریا ایجاد شد که شامل راهبردهای آموزشی معلم محور و عناصر طرح درس بود. عناصر طرح درس شامل مجموعه پیش بینی زیر بود: تعیین هدف، هدف برای یادگیری و ارتباط، ورودی معلم، تمرین هدایت شده توسط معلم، نقاط بررسی برای درک، تمرین مستقل، و بسته شدن. همچنین آنان دریافتند که به معلمان نیز یک طرح آموزشی ارائه شده است. که استراتژی‌های آموزشی مبتنی بر تحقیق را در فواصل زمانی منظم به کار می‌بردند و مدیران بازخورد مبتنی بر تحقیق را برای بهبود ارائه آموزشی معلمان ارائه می‌کردند. طراحی برنامه درسی بر تجربیات و فرصت‌های یادگیری کودکان تحت هدایت معلم کلاس تأثیر می‌گذارد. طراحی برنامه درسی، که شامل توالی و سرعت محتوا همراه با دانش‌آموزان است.

تجربه شخصی، بر پیشرفت دانش آموزان تأثیر می‌گذارد. معلمی که برای تصمیم‌گیری درباره محتوا به کتاب‌های درسی خود تکیه می‌کند و محتوای برنامه درسی را بر اساس آن سرعت نمی‌دهد، تنها شکاف پیشرفت را برای همه دانش‌آموزان افزایش می‌دهد.

موانع یادگیری دانش آموز محور

یادگیری دانش آموز محور با مقاومت و موانع همراه است. برخی از معلمان احساس می‌کنند که این موانع بیش از حد متعدد و دردسر ساز هستند که بر هر گونه تأثیر مثبتی که یادگیری دانش آموز محور ممکن است بر تجربه آموزشی معلم و دانش آموزان داشته باشد، غلبه کند (Duckworth, ۲۰۰۹). مشخص شده است که فعالیت‌های دانش آموز محور برای دانش آموزان سرگرم کننده است، اما فعالیت‌ها تمایل به زمان بیشتری دارند. اغلب، دانش آموزان غایب علاقه خود را به یادگیری پرس و جو از دست می‌دهند، زیرا آنها بخش‌های حیاتی فرآیند تدریس کلاس درس را که در حال یادگیری است از دست داده‌اند. دانش آموزانی که غیبت بالایی دارند، به دلیل از دست دادن وقت کلاس، در نتیجه گیری مشکل دارند. دانش‌آموزان در هنگام شرکت در کلاس درس دانش آموز محور به نظر می‌رسند که درک و اعتماد به یادگیری خود را کسب کنند. وی همچنان بیان کرد که «... دانش آموزان باید انتظار داشته باشند و به یک محیط یادگیری فعال عادت کنند. معلمان باید بتوانند از طریق برنامه ریزی دقیق و مدبرانه بر هر مانع، مانع یا خطری برای گنجاندن یادگیری دانش آموز محور در کلاس درس غلبه کنند.»

نتیجه گیری

برنامه درسی دانش آموز محور به عنوان یک رویکرد نوین در آموزش و یادگیری، مزایا و تأثیرات مثبت بسیاری را برای دانش‌آموزان در کلاس درس به همراه دارد. این رویکرد، فرآیند یادگیری را از رویکرد معلم محور به رویکرد دانش‌آموز محور تغییر می‌دهد و دانش‌آموزان را به عنوان فعالانهای فراگیر درگیر می‌کند (محمودی و بهرامی، ۱۴۰۱). آن‌ها با مواجهه با



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مسئله‌های واقعی و تحلیل آن‌ها، توانایی‌های تفکر منطقی، تحلیلی، خلاقانه و همکاری خود را تقویت می‌کنند. همچنین، برنامه درسی دانش آموز محور ارتباط بین مفاهیم تئوری و کاربردهای عملی را برقرار می‌کند و دانش‌آموزان را به ارتباط با زندگی روزمره خود می‌برد (Tsai & Chen, ۲۰۲۱).

با این حال، پیاده‌سازی برنامه درسی دانش آموز محور نیازمند تغییرات و تمهیدات مناسب است. معلمان باید به عنوان همراهان و هدایت‌کنندگان در مسیر یادگیری دانش‌آموزان، آماده و مجهز شوند. همچنین، تغییرات ساختاری و فرهنگی در مدارس برای اجرای این رویکرد ضروری است. همچنین، همکاری فعال و مؤثر بین مدرسه، خانواده و جامعه نیز نقش مهمی در پیاده‌سازی موفق برنامه درسی دانش آموز محور دارد (Gürer et al, ۲۰۱۶).

نظام آموزشی دچار چالش‌های اساسی شده است، رویکرد دانش آموز محور جانشین رویکرد معلم محور سنتی شده است. در رویکرد جدید دانش آموزان به عنوان فردی فعال در محوریت یادگیری و امر تعلیم و تربیت قرار دارند. روش‌های تدریس که معلمان انتخاب می‌کنند باید علایق و سطح درک و فهم دانش‌آموزان را تقویت نمایند. از جمله روش‌های تدریس مبتنی بر رویکرد دانش آموز محور، روش تدریس مشارکتی و روش تدریس مبتنی بر حل مسئله است. یادگیری مبتنی بر روش مشارکتی شامل گروه‌های کوچکی از یادگیرندگان می‌شود که به عنوان یک تیم برای حل مشکلات، تکمیل وظایف یا انجام یک هدف مشترک با هم کار می‌کنند. و یادگیری مبتنی بر مسئله هدف آن توسعه مهارت‌های حل مسئله از طریق یادگیری خودراهبر به عنوان یک عادت در طول زندگی و مهارت‌های کار گروهی است. موقعیت‌های نامرتب، نامرتب، ساختار نامناسب به دانش‌آموزان داده می‌شود که در آنها نقش مالک موقعیت را بر عهده می‌گیرند. دانش‌آموزان مشکل را مشاهده می‌کنند و در مورد راه حل یاد می‌گیرند، در مقایسه با یادگیری مبتنی بر سخنرانی سنتی، ما مزایای یادگیری مبتنی بر مسئله مزایای زیادی دارد (Thamarana, 2016).

با توجه به مطالب مورد بحث، می‌توان نتیجه گرفت که برنامه درسی دانش آموز محور با ارائه فرصت‌های فعالیت و یادگیری بر اساس نیازها و توانمندی‌های هر دانش‌آموز، می‌تواند بهبود قابل توجهی در فرآیند آموزش و یادگیری داشته باشد. این رویکرد، دانش‌آموزان را به عنوان فعالانهای فراگیر مشارکتی در فرآیند یادگیری می‌بیند و مهارت‌های تفکری، تحلیلی و خلاقانه آن‌ها را تقویت می‌کند. همچنین، به دانش‌آموزان امکان می‌دهد تا مفاهیم آموخته شده را در کاربردهای واقعی و زندگی روزمره خود تجربه کنند. با این حال، پیاده‌سازی این رویکرد نیازمند آمادگی معلمان، تغییرات ساختاری و فرهنگی، و همکاری مؤثر بین مدرسه، خانواده و جامعه است. با رعایت این نکات، برنامه درسی دانش آموز محور می‌تواند به توانمندسازی دانش‌آموزان و بهبود کیفیت آموزش و یادگیری کمک شایانی نماید (Tsai & Chen, ۲۰۲۱).



منابع

۱. محمودی، مهدی و بهرامی، عارف، ۱۴۰۱، برنامه درسی یادگیرنده محور، مبتنی بر رویکرد ساختار گرایی، اولین کنفرانس ملی تازه‌های روانشناسی تکاملی و تربیتی، بندرعباس.
۲. مهرابی، عبدالله و مکوندی، محمد، ۱۴۰۰، تأثیر کلاس‌های یادگیرنده محور بر میزان یادگیری دانش آموزان، اولین کنفرانس ملی مدیریت، روان‌شناسی و علوم رفتاری، تهران.
3. Arnstine, D. (1995). *Democracy and the arts of schooling*. Suny Press.
4. Apple, M. W. (2013). *Educating the right way: Markets, standards, God, and inequality*. Routledge.
5. Apple, M. W., & Beane, J. A. (Eds.). (2007). *Democratic schools: Lessons in powerful education*. Portsmouth, NH: Heinemann.
6. Carrell, S. E., & West, J. E. (2010). Does professor quality matter? Evidence from random assignment of students to professors. *Journal of Political Economy*, 118(3), 409-432.
7. Chen, C. H., & Tsai, C. C. (2021). In-service teachers' conceptions of mobile technology-integrated instruction: Tendency towards student-centered learning. *Computers & Education*, 170, 104224.
8. Duckworth, E. (2009). Helping students get to where ideas can find them. *The New Educator*, 5(3), 185-188.
9. Freer, P. K. (2006). Adapt, build & challenge: Three keys to effective choral rehearsals for young adolescents.
10. Güreş, M. D., Tekinarslan, E., & Yavuzalp, N. (2016). Çevrimiçi Ders Veren Öğretim Elemanlarının Uzaktan Eğitim Hakkındaki Görüşleri. *Turkish Online Journal of Qualitative Inquiry*, 7(1).
11. Kohn, A. (1999). *The schools our children deserve: moving beyond traditional classrooms and "tougher standards"*. Houghton Mifflin Harcourt.
12. Miller, S. (2005). Students as agents of classroom change: The power of cultivating positive expectations. *Journal of Adolescent & Adult Literacy*, 48(7), 540-546.
13. Perrone, V. (1994). How to Engage Students in Learning. *Educational Leadership*, 51(5), 11-13.
14. Pace, J. L., & Hemmings, A. (2006). Understanding classroom authority as a social construction. In *Classroom authority* (pp. 17-48). Routledge.
15. Shively, J. (2004). In the face of tradition: Questioning the roles of conductors and ensemble members in school bands, choirs, and orchestras. *Questioning the music education paradigm*, 11(2), 179-190.
16. Simpson, D. J., Jackson, M. J., & Simpson, J. C. (2004). *John Dewey and the art of teaching: Toward reflective and imaginative practice*. Sage Publications.
17. Sizer, T. R. (1999). No Two Are Quite Alike. *Educational Leadership*, 57(1), 6-11.
18. Thamarana, S. (2016). Role of E-learning and Virtual Learning Environment in English language learning. *Teaching English Language and Literature: Innovative Methods and Practices, ELTAI Tirupati*, 61-62.